

## فاجعہ بزرگ بشریت

۴۱

# دراہریشہ کن ساختن فقر

نیز بطور کامل جاری است باین معنا ایمان و اعتقاد به اصول دین اسلام موجب می گردد که کلیتاً عناوینی که با اقتصاد و امور مالی ارتباط دارد مفهوم و محتوای دیگر و رنگ و شکل مخصوصی پیدا کند و این موضوع مکتب اقتصادی اسلام را از مکاتب اقتصادی دیگر بکلی جدا می سازد و موجب مزیت این مکتب بر مکاتب دیگر می گردد.

ما در اینجا عجباً بتوفیق خداوند با ذکر چند نمونه به توضیح این مطلب می پردازیم و سپس به سراغ بحث سابق خود که مربوط به علل پیدایش فقر است می رویم:

۱ - «مالکیت» از دیدگاه اسلام با مالکیتی که دنیای کاپیتالیستی به آن معتقد است از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

محتوای مالکیت خصوصی در اسلام این است که ذاتاً مالک همه چیز خدا است که او آفریننده و هستی بخش همه موجودات است و بهر کس هر چه را که او داده بعنوان عاریت عطا کرده و آنرا وسیله امتحان وی قرار داده است.

بنابراین او همیشه سعی می کند که از امتحان خداوندی برآید و با مال و

استعمارگران جبار و مستکبران روی زمین صورت می گیرد.

«جهاد» معامله ای است مقدس با آفریدگار بزرگ جهان و جان را در طبق اخلاص نهادن برای جلب خشنودی آن ذات لایزال است.

و نیز طرز برداشت یک فرد غیر مسلمان را در مورد «حکومت» با طرز تفکر و برداشت یک مسلمان در نظر بگیرید تا معلوم شود «تفاوت ره از کجا است تا بکجا».

در نظر یک فرد غیر مسلمان حکومت چیزی جز ریاست بر تعدادی از جمعیت بمنظور تأمین هدفهای مادی آنها چیز دیگری نیست در حالی که «حکومت» از دیدگاه یک مسلمان عبارت است از اینکه افراد مخصوصی که دارای ایمان کامل بخداوند متعال و اخلاص در عمل و عدالت و تدبیر و مدیریت صحیح هستند مسئولیتهای خطیری را در مورد بندگان خدا بعهده گرفته و برای خدا آنچه را که در توان خود دارند در راه تأمین اهداف معنوی و مادی آنها بکار می برند و از خدمت همه جانبه بآنها لحظه ای غافل نمی مانند آرام نمی نشینند.

این مطلب در مسائل اقتصادی اسلام

از جمله مطالبی که توجیه یان فوق العاده لازم است این است که ایمان و اعتقاد به اصول اسلام تحول شگرف و عمیقی در دید و درک انسانها پدید می آورد و رنگ و شکل زندگی را از اساس تغییر می دهد و طرز برداشت و تفکر آنها را درباره عناوین زندگی عوض می کند و این موضوع در فرهنگ و اخلاق و اقتصاد و سیاست مسلمانان نقش بسیار مهمی را ایفا می نماید.

در این مورد برای نمونه طرز تفکر یک فرد غیر مسلمان را با طرز فکر یک مسلمان درباره جنگ باهم مقایسه کنید: روشن است محتوای «جنگ» از دیدگاه یک غیر مسلمان جز «برخورد» برای اغراض و مقاصد مادی از قبیل مال و ثروت و شهوت یا مقام و منصب و ریاست چیز دیگری نیست در حالی که از لحاظ طرز تفکر یک فرد معتقد به اسلام «جنگ» - در آنجا که باید تحقق پیدا کند «جهاد» است و «جهاد» به مفهوم اسلامی خود، جز ایجاد بهشت در زیر سایه شمشیرها چیز دیگری نیست.

«جهاد» در اسلام درگیری ای است که بمنظور از میان برداشتن ستم و مستمگران و نجات مستضعفان از چنگال



آیت الله حسین نوری

ثروت در فکر رفع مشکلات محرومین باشد و اموال خود را وسیله ای برای ترمیم کمبودها و رفع نارسائیهای جامعه قرار بدهد و هرگز آنرا در راه فساد و فحشاء خرج نکند و بعلاوه به جهات مربوط به توزیع عادلانه توجه کامل داشته باشد.

ناگفته پیدا است که محتوای مالکیت از دیدگاه دنیای سرمایه داری هرگز این چنین نمی تواند باشد.

۲- ایجاد صنایع و تأسیس مراکز صنعتی از دیدگاه یک مسلمان جز اینکه وسیله ای برای بهتر و کاملتر گرداندن چرخ زندگی جامعه و تأمین رفاه بیشتر بندگان خدا باشد چیز دیگری نیست و لذا همواره در فکر تأسیس صنایعی است که هر چه بیشتر و کاملتر بحال مردم مفید باشد در حالی که از دیدگاه کسی که با فرهنگ اسلامی آشنائی ندارد ایجاد صنایع وسیله ای است برای بدست آوردن «سود» چه اینکه بحال ملت ها مفید باشد یا مضر خطرناک باشد یا سالم.

۳- «تجارت» از دیدگاه یک فرد قرآنی انجام معامله هائی است که پخش کالاها را برای مردم آسان تر می سازد و از مشکلات زندگی آنها می کاهد و تاجران اسلامی کسانی هستند که: «لَا تَلْبِیْهِمْ»

بِجَارَةٍ وَلَا يَمِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ بِخَافِقُونَ يَوْمًا تَتَلَبَّأُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» یعنی: «هیچگاه تجارت و کسب آنها را از یاد خدا و پیاداشتن نماز و پرداختن زکات باز نمی دارد و آنان همواره از روزیکه دلها و دیده ها در آنروز حیران و دگرگون می گردند ترسان و هراسانند».

ولی «تجارت» از دید و درک دنیای سرمایه داری جز تحصیل سود و زراندوزی و در نتیجه شعله ور ساختن آتش حرص و آز و ایجاد رقابت های سرسام آور مفهوم دیگری نمی تواند داشته باشد.

۴- کشاورزی و درختکاری از دیدگاه اقتصاد اسلامی شغلی است بسیار مقدس که پایه اصلی خود کفائی و استقلال اقتصادی است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «سوگند بخدا هیچ کاری حلال تر و پاکیزه تر از کشاورزی و درختکاری نیست».

و نیز آنحضرت فرمود: «خداوند شخم زدن و زراعت کردن را شغل پیغمبران خود قرار داده است» از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد پس از کشاورزی و دامداری کدام کار شریفتر و بهتر است؟ فرمودند: «پس از کشاورزی و دامداری، درختکاری بهترین کار اقتصادی است».

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «بهترین کارها زراعت است که همه افراد از این کار پربرکت بهره مند می شوند».

و باز حضرتش فرمود: «زراعت کاران گنجهای مردمند روزی های پاکیزه ای را که خداوند پدید می آورد آنان بدست می آورند» و نیز فرمود: «بزرگترین کیمیا زراعت است».

این است مفهوم و محتوای مقدس کشاورزی در مکتب اقتصادی اسلام اقا

از دیدگاه دنیای مادی هرگز کشاورزی نمی تواند این محتوا را داشته باشد. بر همین اساس کار و فعالیت اقتصادی چه در راه تولید کالاهای مورد نیاز زندگی بهر شکلی که باشد چه در راه انجام خدمات مفید و مثبت، از دیدگاه اسلام دارای فضیلت و پاداش بسیار مهمی است.

در اینجا برای اینکه فضیلت «کار در اسلام» را درست درک کنیم باید باین مطلب توجه کنیم که اسلام برای جهاد و پیکار در راه خدا با ستمگران و مستکبران اهمیت مخصوصی قائل و قرآن کریم در ۳۳ مورد با لحن تجلیل آمیزی از «جهاد» سخن گفته و آنرا مبده همه فضیلت ها معرفی کرده است.

در مورد اهمیت کار نیز احادیثی از اهل بیت عصمت سلام الله علیهم صادر گردیده است که در طی آن «کار» را از لحاظ فضیلت نوعی «جهاد» قلمداد کرده اند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند کسی که بمنظور اداره صحیح عائله خود تا سرحد خستگی به انجام کارهای اقتصادی اشتغال می ورزد از لحاظ ثواب و پاداش مانند کسی است که در راه خداوند به «جهاد» بپردازد.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «اجر و مزد کسی که در راه اداره خانواده خود به تکاپو و تلاش بپردازد از اجر و مزد «مجاهد» در راه خدا بالاتر است».

### نقش نیت و هدف

اسلام از نظر اینکه برای پاکی نیت و مقدس بودن هدف اهمیت فراوانی قائل است و مراتب ارزش کارها را، با توجه به مراتب خلوص نیت و قداست هدف توجه می کند لذا در احادیث اهل بیت علیهم

السلام مراتب فضیلت و اهمیت کارهای اقتصادی بر اساس قدامت هدف و خلوص نیت تعیین گردیده است مثلاً: حضرت باقر «ع» فرمودند: «کسی که با این قصد دنبال روزی و تهیه لوازم معاش و زندگی می رود که نیازمندیهای زندگی خود را تأمین کند و خانواده خود را بطور کامل و صحیح اداره نماید و به همسایگان خود نیز خدمت و نیکی کند روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات می کند که چهره اش مانند ماه شب چهارده نورانی و روشن است».

مردی بنام محمد بن منکدر روزی از خانه خود بیرون شده برای انجام کاری به اطراف مدینه در ساعتی که آفتاب داغ بر زمین می تابید و هوا بسیار گرم بود رفت در اینحال چشمش به حضرت باقر علیه السلام در حالی که به همراه دو نفر از غلامان خود مشغول کار کردن در روی زمین بود و چون آنحضرت نسبتاً فر به بود عرق می ریخت و کار می کرد افتاد با خود گفت سبحان الله پیرمردی از بزرگان قریش در این ساعت از روز اینطور در تکاپو و تلاش بودن تعجب است! خوب

است بروم و او را موعظه کنم بآن حضرت نزدیک شده سلام کرد حضرتش در حالی که عرق می ریخت جواب سلام داد. سپس گفت مردی از بزرگان قریش در این ساعت از روز اینچنین در طلب دنیا هستی اگر تو را «آجل» فرا برسد و در اینحال هستی چه خواهی کرد؟

حضرتش فرمود: اگر آجل مرا در اینحال فرا برسد در حالی فرا رسیده است که من به یکی از عبادت‌های خداوند اشتغال دارم زیرا خودم را و کسانی را که باید آنها را اداره کنم در نتیجه کار و زحمت اداره می کنم و نمی گذارم به تو و مردم دیگر محتاج شوند این که من انجام می دهم وظیفه و عبادت است من از آن باید بترسم که مبادا مرگ مرا فرا برسد در حالی که بمعصیت خداوند اشتغال داشته باشم.

محمد بن منکدر می گوید: «من پس از شنیدن چنین جواب منطقی - گفتم: راست گفتی حق باتست من خواستم ترا موعظه کنم ولی تو مرا موعظه کردی». شخصی بنام عبدالاعلی می گوید: حضرت صادق علیه السلام را روزی که

هوا بسیار گرم بود در حال اشتغال به فعالیت اقتصادی دیدم به حضرتش عرض کردم در چنین روزی که هوا این اندازه گرم و سوزان است با ارتباطی که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله دارید اینچنین سرگرم کار و تلاش بودن چرا؟ آنحضرت فرمودند:

«از این نظر من شخصاً اشتغال به فعالیت اقتصادی را پیش گرفته ام که به امثال تو محتاج نباشم».

بنابراین کسی که برای اداره خود و خانواده خود مخصوصاً خانواده بزرگ جامعه اسلامی بهر نوع فعالیت اقتصادی دست بزند و هرگز در این راه تنبلی و تن آسانی بخود راه ندهد عبادت بزرگی را انجام داده است و پاداش او با پاداش رزم آورانی که در جنبه های جنگ حماسه می آفرینند و دشمنان اسلام را از فکر تعرض به مرزهای اسلامی باز می دارند و اندام مستکبران که هوای سلطه بر مستضعفان را در سر داشته اند بلرزه می اندازند برابر است.<sup>۲</sup> ادامه دارد

امام صادق «ع»:  
**«تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ»**

(خصال صدوق ج ۱ ص ۸)  
 با یاری و همراهی برادران مسلمانان  
 به خدای متعال تقرب جوئید.